

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء الحادي عشر و الجزء الثاني عشر

المجلد السادس

موسوعة صرفية، نحوية رئيسية، لألفاظ القرآن الكريم
بررسی صرفی، نحوی و لغوی وائیهامی قرآن کریم

عَرَبِيٌّ، فَارِسِيٌّ

تأليف:

الدكتور سيّد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

نحفی، سید رضا، ۱۳۴۱-

المستعان فی اعراب القرآن/ تألیف سید رضا نحفی.

اصفهان: کتابخانه نجف، ۱۳۹۲-

ج: ۲۳۸ ص.

دوره: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸-۹۷۸: ج ۱: ۰-۵-۹۴۸۱۵-۹۷۸: ج ۲: ۰-۱-۹۴۸۱۵-۹۷۸-۶۰۰

ج ۳: ۰-۵-۹۴۸۱۵-۹۷۸: ج ۴: ۰-۸-۹۴۸۱۵-۹۷۸: ج ۵: ۰-۰-۹۴۸۱۵-۹۷۸-۶۰۰

ج ۶: ۰-۷-۹۴۸۱۵-۹۷۸: ج ۷: ۰-۰-۹۶۶۷۳-۹۷۸: ج ۸: ۰-۹-۹۶۶۷۳-۹۷۸-۶۰۰

ج ۹: ۰-۸-۹۴۸۱۵-۹۷۸: ج ۱۰: ۰-۹-۹۴۸۱۵-۹۷۸-۶۰۰

فابا

عربی:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

مدرجات:

Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe ...

پشت جلد لاتینی شده: ... (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فبیا)).

کتابنامه.

نمایه.

ج ۱: جزء ۱، سورة الحمد و سورة البقرة - ج ۲: جزء ۳ و ۴، سورة البقرة - سورة الساء - سورة المائدة -

ج ۳: جزء ۷ و ۸، سورة المائدة - سورة اعراف - ج ۴: جزء ۹ و ۱۰، سورة المائدة - سورة نوح - ج ۵: جزء ۱۱ و ۱۲، سورة نوح - سورة

یوسف - ج ۶: جزء ۱۳ و ۱۴، سورة یوسف - نحل - ج ۷: جزء ۱۵ و ۱۶، سورة شوری تا ق - ج ۸: جزء ۱۷ و ۱۸، سورة النازعات الی

التحریم - ج ۹: جزء ۱۹ و ۲۰، سورة الملک الی سورة الناس.

قرآن -- صرف و نحو

Qur'an -- Grammar

آن -- اعراب

Qur'an -- *Diacrit

BPAT/A/3/1392

۲۹۱ ۳

۲۹۱ ۳

۲۹۱ ۳

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتاب شناسی ملی:



• نام کتاب: المستعان فی اعراب القرآن - المجلد السادس

• مؤلف: دکتر سید رضا نحفی

• صفحه آرا: عباسعلی ربانی

• نوبت چاپ و سال انتشار: چاپ اول - ۱۳۹۶

• شمارگان: ۱۰۰۰

• ناشر: کتابخانه نجف

• چاپ و صحافی: نگار اصفهان

• شابک جلد ششم: ۶-۷-۱۵۰۹۴۸۱۵-۶۰۰-۹۷۸

• شابک دوره ۱۵ جلدی: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۴۰۷۰-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۱	سُورَةُ التَّوْبَةِ
۷۰	سُورَةُ يُونُسَ
۲۱۳	سُورَةُ هُودَ
۳۶۵	سُورَةُ يُوسُفَ
۴۳۵	فهرس المصادر و المراجع

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود نبی کریم خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. مسلمانان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت برآن در سطور همت گماردند و علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناختن آن سانی بلند، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و قرائات و بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت عبرت‌ها، به قصص و مثال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا حتی نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکار ساختن است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه‌ای که در آن خطایی نباشد، این هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می‌داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می‌شود. برخی مانند ابن‌مالک، اعراب را پدیده‌ای لفظی دانسته‌اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمه ظاهر می‌شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده‌ای معنوی دانسته‌اند که حرکات و سکونات دال بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است، اما بر پایه‌ی معنای لغوی همه‌ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که در تواتر به فراگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمِشُوا غَرَائِطَهُ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: «أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَمَا تُعْرَبُوا الْقُرْآنَ». در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهاى هر واژه می‌باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می‌انجامد. از این رو اعراب هم‌راهِ زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می‌گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَّفَعِ اسلامی، نخستین بار علامت اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دَوْلِی (م. ۶۹۹ق) به اشاره امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) و با کمک یحیی بن یَعْمَر، آغازگر اعراب گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقدهای اعرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد فراهیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآید و به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته باخولی در اعراب قرآن مواجه می‌شیم، دانشمندانی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن غلاء، عیسی بن عُمَر ثَقَفِی، یونس بن حَبِیب، خلیل و تبیین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سیبویه است؛ وی در اثر گران سنگ خود "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تحلیل نشانه‌های کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مباحث گوناگون نحوی استنهاد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب"، مکتب نحو، بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس و نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، نحو که به پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحو بصره از اعمار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پیشتایی نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، مَتَّه شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فصیح بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندانی چون ابن خالویه، ابن دُرُسُویه، ابن جَنّی، رَجَاح و رَحْشَری به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر رُوَاسِی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هو که استاد کسایی و قَرَّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبْرَسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و سیوطی و زرکشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی‌شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرابی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید همزمان هر دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فنی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندانی که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای متفاوت، آثاری از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند مکی بن ابی طالب القیسین (م ۳۷۰ ق) تنها به مشکل اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابن الأنباری صرفاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند البقاء العکبري (م ۶۱۶ ق) در کتابش به نام "إملاء ما مرَّ به الرَّحْمَنُ"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که آشکار باشد، ابواسحاق رَجَّاح (م ۳۱۱ ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن روی آورده است و بعضی مانند قَزَّاه در کتاب "معانی القرآن" و ابن جني (م ۳۹۲ ق) در کتاب "مُحْتَسَب" و ابن فارس (م ۳۹۵ ق) در کتاب "حجة" و نحاس (م ۳۳۸ ق) در کتاب "إعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب و رائج پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند، عبارتند از: قُطْرُب (م ۲۰۶ ق)، أَبُو حاتم السَّجِسْتَانِي (م ۲۴۸ ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُبرِد (م ۲۸۶ ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب (م ۲۹۱ ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بن خَالَوَيْه (م ۳۷۰ ق)، و أَبُو زَكْرِيَا ثَبْرِي (م ۵۰۲ ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند مُحَمَّد زَحَّاشِي (م ۵۳۸ ق)، در کتاب "الكَشَاف"، و أَبُو حَيَّان الْأَنْدَلِيسِي، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِيط"، حسن طَبْرَسِي در کتاب "مَجْمَعُ الْبَيَان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" رَجَّاح و "مَعْنَى اللَّيْب" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته در

واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از محی الدّین درویش و "الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم‌افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وایسته به صدا و سیمای مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم‌افزار و دریافت نتایج و بازخوردها و گاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُستَعان في إعراب القرآن**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به سه مستأکن درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی، ریزه‌ریز سرگرم‌کن علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه‌الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سرفصل دانسته‌شده، رویان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، تلاش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در میان فصّان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلام، دور نگردد. شایسته است که با پرهمیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صناعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب و وجوه صرف و نحو و مختار در متن، بعضی وجوه محتمل و مرتبط دیگر نیز، به زبان فارسی در باورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در خاتمه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۱۱ و ۱۲ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همه‌ی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین هم عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هر آیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه: اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر نمونه‌های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:
 قد: حرف، حرف تحقیق، غیر عامل، مبنی، بناؤه اصلی، مبنی علی الشکون.
 علی: حرف، حرف جر، متعلق بفعل قبله، عامل، مبنی، بناؤه اصلی، مبنی علی الشکون.
 برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع جمله با دو خط اریب: // از هم جدا گشته‌اند:

الحمد: اسم، خابذ مصدری، مفرد، مذکر، ثلاثی مجزئ، منصرف، منصرف، ح م د، الفعل، معرب. // مبتدأ، مرفوع، منته.

برای اسم غیر عربی تنها ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم مبنی ۳ ویژگی صرفی نوشته می‌شود، مانند:

موسی: اسم، اسم غیر عربی، مزد، مؤنث، غیر منصرف معرب. // مفعول به اول، منصوب بالفتحة المقدرة.
 ألف: اسم، اسم عدد، مفرد، مذکر، عرب. // مفعول فیه، منصوب بالفتحة.
 تسعة عشرة: اسم، اسم عدد، مفرد، مؤنث، بناؤه عارضی، مبنی علی الفتح. // مضاف إليه، مجزئ، محلا.

بین: اسم، ظرف، معرب. // مفعول فیه، منصوب بالفتحة.
 من: اسم، اسم شرط جازم، مبنی علی الشکون. // مبتدأ مرفوع، محلا.
 برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل معرب: مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

علیم: فعل، فعل ماضی، للغائب ۱، ثلاثی مجزئ، منصرف، متعد، معلوم، ع ل م، فعل، مبنی، بناؤه اصلی، مبنی علی الفتح. // فاعله الاسم الظاهر.

کلوا: فعل، فعل امر، للمخاطبین ۹، ثلاثی مجزئ، منصرف، متعد، معلوم، اک ل، علوا، مبنی، بناؤه اصلی، مبنی علی حذف النون. // فاعله الضمیر البارز "و". // الجملة: استئنائیة، لا محل لها من الاعراب.

تنبئت: فعل، فعل مضارع، للغائبة ۴، ثلاثی مزید: افعال، منصرف، متعد، معلوم، ن ب ت، تفعل، معرب. // مرفوع بالضمة. // فاعله الاسم الظاهر.

لِيَصُم: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْعَائِبِ ۱، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيُقَلِّ، مُعَرَّبٌ. // مَجْزُومٌ بِالسُّكُونِ. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَرٌّ جَوَازًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحْلِلِ الْجُزْمِ، جَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه مورد نظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل‌های منفی، مثبت معنا شده است.

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل‌های تام و نوع اسم در فعل‌های ناقص، با یکی از گزینه‌های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در مقابل خود فعل مشخص شده است.

نوع جمله، چه خبری و چه کبری و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مقابل فعل کریم بخش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول‌هایی مانند مفعول به، مفعول فی، و مفعول مطلق که فعل آن‌ها محذوف است معین می‌گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله‌ای دیگر است.

هُم: اِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُتَّفَصِّلٌ مَرْفُوعٌ. مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ. // مُتَعَدٍّ، مَرْفُوعٌ تَحَلًّا.

يُوقِنُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَائِبِينَ ۳، ثَلَاثِي. // اِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ بِحَرْفِ الْجَزْمِ. ب، مَعْلُومٌ، ي ق ن، يُفَعِّلُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالنُّونِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحْلِيلِ الرَّفْعِ، خَيْرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُبْرَى: مَعْطُوفَةٌ، لَا تَحُلُّ لَهَا مِنْ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهشی محسوب دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: keabdar.info/earabolquran نیز قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنیا و تسهیل دینی باشد.

و اللّٰهُ الْمُسْتَعَان

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان